



☆ « الدَّرْسُ السَّابِعُ » ☆

« لَا تَقْنَطُوا » : نا امید نشوید!

﴿ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴾ « النَّجْمُ ۳۹ »

« انسان چیزی جز آنچه برآیندش را که تلاش کرده است، ندارد. »

** درس نامه (۱) : ترجمه أفعال ناقصه

۱- أفعال ناقصه: أفعالی هستند که بر سر جمله اسمیه می آیند و معادل فعل های ربطی فارسی (است - بود - شد - گشت - گردید) عمل کرده و معنی می شوند. این افعال عبارتند از :

زمان	فعل	ترجمه	فعل	ترجمه	فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
ماضی	كَانَ	بود	صَارَ	شد	لَيْسَ	نیست	أَصْبَحَ	شد/گردید
مضارع	يَكُونُ	می باشد	يَصِيرُ	می شود	_____	_____	يُصْبِحُ	می شود
أمر مخاطب	كُنْ	باش	_____	_____	_____	_____	_____	_____

**همانطور که مشاهده می کنید فقط « كَانْ » أمر دارد . و « لَيْسَ » مضارع و أمر ندارد .

**البته افعال ناقصه دیگری هستند که در کتاب درسی مطرح نشده اند ولی ممکن است در جملاتی آمده باشند.

ترجمه و کاربرد أفعال ناقصه :

۱- « كَانْ » : معانی و کاربردها : { بود - است - داشت }

الف - به معنی بود . كَانْ مَعْلَمًا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَشْفِقًا : معلم ما در سال گذشته دلسوز بود .

ب - است . در قرآن و ادعیه بیشتر مواردی که «کان» با «الله» آمده است معنای « است » دارد .

مثال : ﴿ كَانِ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾ : خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

ج - اگر بعد از «کان» حرف جر «ل» یا «عند» بیاید «کان» معنای «داشت» می دهد.

مثال ۱ : كَانِ عِنْدَ رَجُلٍ لِبَاسٌ دِيبَاجِيٌّ : مردی لباسی ابریشمی داشت .

مثال ۲ : كَانِ لَصَدِيقِي أَخْلَاقٌ حَسَنَةٌ : دوستم اخلاق خوبی داشت .

د- کان بعنوان فعل کمکی مانند « were ، waz ، had » در انگلیسی به کار می رود .

کان + مضارع ← ماضی استمراری : كَانِ يَسْمَعُ : می شنید / ماضی استمراری در فارسی : می + بن ماضی

کان + (قد) + ماضی ← ماضی بعید : كَانِ قَدْ سَمِعَ : شنیده بود / ماضی بعید در فارسی : صفت مفعولی + بود

نکته ۱: در زمانهای ماضی بعید یا ماضی استمراری می تواند بین کان و فعل اصلی اسم یا ضمیری یا ...فاصله شود.

مثال ۱: كَانَتِ الْمَفْرَدَاتُ الْفَارْسِيَّةُ تُنْقَلُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ! لغات فارسی به علت تجارت به زبان عربی انتقال می یافت .

مثال ۲ : فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ كَانِ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ قَدْ ازدادَ : نفوذ زبان فارسی در دوره عباسی افزایش یافته بود .

نکته ۲: در زمان ماضی بعید گاهی حرف « قَدْ » نمی آید : « كَانِ قَدْ شَارَكَ = كَانِ شَارَكَ : شرکت کرده بود. »

نکته ۳: در زمانهای ماضی بعید و ماضی استمراری فعل کان با صیغه ماضی یا مضارع قبلش هماهنگی دارد (مگر اینکه در

اول جمله بیاید و سوم شخص باشد که در اینصورت مفرد بکار می رود .)

به صرف فعل ماضی استمراری از « يَتَغَيَّرُ : دگرگون می شود » ، توجه کنید :

كَانِ يَتَغَيَّرُ : دگرگون می شد

به صرف فعل کان در جداول زیر بسیار دقت کنید .

صیغه‌های غائب (سوم شخص)			
جنس / عدد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	كَانِ يَتَغَيَّرُ	كَانَا يَتَغَيَّرَانِ	كَانُوا يَتَغَيَّرُونَ
مؤنث	كَانَتْ تَتَغَيَّرُ	كَانَتَا تَتَغَيَّرَانِ	كُنَّ يَتَغَيَّرْنَ

صیغه‌های مخاطب (دوم شخص)	للمتكلم (اول شخص)		
جنس/عدد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	كُنْتَ تَتَغَيَّرُ	كُنْتُمَا تَتَغَيَّرَانِ	كُنْتُمْ تَتَغَيَّرُونَ
مؤنث	كُنْتِ تَتَغَيَّرِينَ	كُنْتُمَا تَتَغَيَّرَانِ	كُنْتُنَّ تَتَغَيَّرِينَ

هـ: درصرف فعل «لیس» از صیغه ۶ یعنی جمع مؤنث غائب تا پایان ۱۴ صیغه حرف «ی» حذف می‌شود.

صیغه‌های مخاطب لیس				صیغه‌های غائب فعل لیس			
جنس/عدد	مفرد	مثنی	جمع	جنس/عدد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	لَيْسَ	لَيْسَا	لَيْسُوا	مذکر	لَسْتَ	لَسْتُمَا	لَسْتُمْ
مؤنث	لَيْسَتِ	لَيْسَتَا	لَسْنَ	مؤنث	لَسْتِ	لَسْتُمَا	لَسْتُنَّ

***اسم أفعال ناقصة مانند فاعل به سه شکل می‌آید: (اسم ظاهر - ضمیر بارز - ضمیر مستتر)

اسم ظاهر: أصبح المسلمون متقدمين في اكتساب الدرجات الرفيعة. «المسلمون: اسم أصبح»
ضمیر بارز: هم كانوا عابدين في الليل وذاكرين في النهار! «او» در كانوا اسم كان و مرفوع و مبنی
ضمیر مستتر: لا تكن كنعلب جائع يستفيد من فضلة طعام الأسد! «أنت» مستتر اسم كان و مرفوع و مبنی

دقت کنید: اسم أفعال ناقصة در ۱۲ صیغه ماضی ضمیر بارز و در ۱۲ صیغه مضارع ضمیر (بارز و مستتر) است و فقط در دو صیغه او ۴ (مفرد مذکر غائب و مفرد مؤنث غائب) می‌تواند، اسم ظاهر یا ضمیر مستتر هو یا هی باشد.

و در ۶ صیغه امر كان (صیغه للمخاطب «كُنْ: أنت مستتر» است و در ۵ صیغه دیگر اسم كان ضمیر بارز است.)

مثال: كونوا دعاة الناس بغير ألسنتكم! «او» در كونوا اسم كان و مرفوع و مبنی است.

تمرین: عین الاسم و الخبر للأفعال الناقصة:

- (۱) لیس من یفخر بنفسه شجاعاً!
- (۲) الشجاع لیس من یفخر بنفسه!
- (۳) كانت العافية أجمل لباس.
- (۴) أصبح المؤمنون صابرين ما داموا متمسكين بحبل الله.
- (۵) كان مجتهداً و لا تكن متكاسلاً!
- (۶) كان شبابنا المسلمون یسجلون بطولة رائعة!

نکته: مواردی که در باب مبتدا و خبر گفته شد، انواع خبر، خبر مقدم، در مورد أفعال ناقصة نیز صدق می‌کند. مثلاً خبر

أفعال ناقصة می‌تواند جمله یا شبه جمله یا مفرد باشد و یا خبرش بر اسمش مقدم شود. مثال:

۱- أليس لنا طرقٌ متعددةٌ للتقرب إلى الله! (لنا: خبر مقدم لیس و منصوب و مبنی / طرقٌ: اسم مؤخر لیس و مرفوع)

۲- كان الداعون إلى الخير يعملونه بأنفسهم. الداعون: اسم كان و مرفوع به «و» فرعی/يعملون: خبر كان، جمله فعلیه و منصوب

تست:

۱- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ التَّرْجَمَةِ :

- (۱) ﴿ وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ ﴾: اهل خود را به نماز و زکات دادن امر می کرد.
- (۲) ﴿ ... يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ... ﴾ : و با زبان هایشان چیزی را می گویند که در قلب هایشان نیست .
- (۳) كَانَ الطُّلَابُ قَدْ نَظَّفُوا مَدْرَسَتِهِمْ فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً! دانش آموزان مدرسه را نظافت کردند پس مدرسه تمییز شد.
- (۴) لَيْسَ الْكَاذِبُ مُحْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ : دروغگو نزد مردم محترم نیست.

۲- مَبْرُورٌ «اسم كان» على الترتيب فى العبارة التالية: «لا تكن كذاباً فتكون عاقبتك الندامة»

- (۱) أنت / عاقبة (۲) أنت / أنت (۳) كذاباً / أنت (۴) كذاباً / عاقبة

۳- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْأَفْعَالِ الناقصة:

- (۱) اللاتقُ لَيْسَتْ مِنْ كَانَتْ لَهُ أَمْوَالٌ كَثِيرَةٌ. (۲) سَتُصْبِحِينَ بَيْنَ طَالِبَاتِ الصَّفِّ تَلْمِيزَةً مِثَالِيَةً!
- (۳) كَانَ أَوْلَئِكَ الطُّلَابُ يُطَالِعُونَ الصَّحِيفَةَ كُلَّ يَوْمٍ. (۴) أَصْبَحَ الْمُسْلِمَانِ مُتَقَدِّمِينَ فِي اِكْتِسَابِ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةِ.

« تجرېوى ۹۴ »

۴- «عَيْنِ الْخَطَا فِي أَحْكَامِ الْأَفْعَالِ الناقصة!»:

- (۱) ليس باب الله مغلقاً على عبده، فعليه أن يراقبه دائماً!
- (۲) كان العلماء خلال أعمالهم العلمية متذوقون آلاماً كثيرة!
- (۳) لم يصبح هؤلاء التلاميذ غائبين في صفهم طول السنة الدراسية!
- (۴) الأعداء منهزمون لأنهم يُصْبِحُوا غاصبين و معتدين على البلاد الأخرى!

۵- عَيْنِ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ : « فى اللّيل و فى النهار! »

- (۱) هم - كانوا - عابدين - ذاكرين (۲) أنتم - كنتم - عابدين - ذاكرين (۳) أنت - كنت - عابداً - ذاكراً (۴) هما - كانا - عابدان - ذاكران

پاسخ تشریحی

۱- گزینہ (۳) :

كان ... قَدْ نَظَّفُوا : ماضی بعید است و معنی می شود : « نظافت کرده بودند » . به فعلها و ترجمه آن ها در بقیه گزینہ ها دقت کنید.

۲- گزینہ (۱) :

لا تَكُنْ ؛ فعل نهی است به معنای «نباش» پس «أنت» را مستتر دارد و كذاباً خبر «لا تَكُنْ» و منصوب، (ردّ گزینہ ۳ و ۴) در جمله دوم «عاقبة» اسم كان و «الندامة» خبر كان است.

۳- گزینه (۱) :

صورت سؤال به این مفهوم است که یکی از فعل های ناقصه در گزینه ها غلط است (یا از نظر معنی با جمله مرتبط نیست یا صیغه آن با اسمش تناسب ندارد).

در گزینه (۱) ؛ «اللائقُ» : مفرد مذکر است و فعل «لَیْسَتْ» به آن برمی گردد ولی با آن تناسب صیغه ای ندارد و «لَیْسَ» صحیح می باشد. اما اسم «کانت» در همین گزینه «أموالٌ» می باشد و چون جمع غیر عاقل است فعل «کانت» برای آن مفرد مؤنث می آید.

گزینه ها : ۲- «ی» در «سَتُصِیحِنَ» اسم «أصیح» می باشد که صیغه مفرد مؤنث مخاطب است و خبرش «تلمیذَةٌ» می باشد که باهم تناسب دارند. ۳- «أولئکَ الطُّلابُ» اسم کان و «یُطالعونَ» خبر کان و جمله فعلیه می باشد. ۴- «أصیح» : از أفعال ناقصه، «المُسلِمانِ» : اسم «أصیح» و مرفوع به الف (اسم مثنی)، «مُتقدِّمینَ» : خبر «أصیح» و منصوب به «ی» اسم مثنی است.

۴- گزینه (۲) :

خبر کان در گزینه (۲) «مُتَدَوِّقونَ» می باشد و چون خبر کان منصوب می باشد باید با «ی» بکار رود، پس «مُتَدَوِّقینَ» صحیح است.

۵- گزینه (۴) :

در جای خالی سؤال باید کلماتی قرار گیرند که اولاً از نظر جنس و عدد باهم تناسب داشته باشند ثانیاً اعراب اسم و خبر کان باید صحیح بکار رفته باشد.

در همه گزینه ها کلمه اول و دوم صحیح است، اما در جای خالی سوم و چهارم خبر کان بکار می رود که باید منصوب باشد و چون در گزینه (۴) اسم مثنی بکار رفته در حالت نصبی باید با «ی» بکار رود پس «عابدینَ و ذاکرینَ» صحیح می باشد.